A Comparative Study of US Energy Diplomacy from 2016 to 2023

Asghar keivan hossini[1]- Mohammad Sadiq Jokar [2]
Hamed Khoshgoftar Lame[3]

Absract

Among the main indicators of the "New Global Energy Order", the US economic policies and its consequences for global energy management are of undeniable importance. Trump's and Biden's governments revealed various manifestations of energy diplomacy, especially in strategic and prescriptive aspects. The main question of this paper is: What are the differences and similarities between America's two governments in the period from 2016 to 2023 in terms of energy diplomacy? The paper shows that these two governments differ in their view of the international system, principles of foreign policy, approach to the global energy system, means of realizing energy policy, type of investments, environment, energy security and response to market disturbances. The similarities are in the components of creating a new energy order, rule-making, and playing the leadership role in the global energy system, influencing international energy organizations, types of investments, pricing and providing energy security with reliance on new technologies. Using the comparative method, this article examines the energy diplomacy of the mentioned governments.

Keywords:
energy diplomacy, global energy system, energy security, the new global energy order, energy trade, environment.

1. Professor, Department of International Relations, Allameh Tabatab'i University, Tehran, Iran. (a.keivan.ir@gmail.com)
2. Assistant Professor, Head of International Energy Studies Institute. Tehran, Iran. (ms.jokar@iies.net)
3. Ph.D. Student International Relations, Department of International Relations, Allameh Tabatab'i University, Tehran, Iran. (hamed_lame@iki.ac.ir)

مقاله علمی ـ پژوهشی

تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

مطالعهٔ مقایسه ای دیپلماسی انرژی آمریکا ۲۰۲۳-۲۰۱۶

سیداصغر کیوان حسینی [۱] ـ صادق جوکار [۲] ـ حامد خوشگفتارلامع [۳]

چکیده

در میان شاخص‌های اصلی «نظم نوظهور جهانی انرژی» و نیز در چارچوب نقش رویدادهای احتمالی، سیاست‌های اقتصادی آمریکا و پیامدهای آن برای مدیریت انرژی جهانی، از اهمیت انکارناپذیری برخوردار است. در این ارتباط، به قدرت رسیدن رؤسای جمهور ترامپ و بایدن در این کشور، جلوه‌های گوناگونی از دیپلماسی انرژی، به‌ویژه از ابعاد راهبردی و تجویزی آشکار کرد که مورد تأکید این مقاله است. پرسش اصلی مقاله: وجوه تفاوت و تشابه دیپلماسی انرژی آمریکا در بازهٔ زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ کدام‌اند؟ در پاسخ: این دو دولت در رهیافت، جهت‌گیری‌ها و رویکردها نسبت به نظام بین‌المللی، اصول سیاست خارجی، رویکرد به سیستم جهانی انرژی، ابزارهای تحقق سیاست انرژی، نوع سرمایه‌گذاری‌ها، شاخص محیط زیست، امنیت انرژی و پاسخ به اختلالات بازار با هم تفاوت داشتند و در مؤلفه‌های ایجاد نظم نوین انرژی، قاعده‌سازی، تسلط و ایفای نقش رهبری در سیستم جهانی انرژی، نفوذ و تأثیرگذاری بر سازمان‌های بین‌المللی انرژی، نحوهٔ سرمایه‌گذاری‌ها، قیمت‌گذاری با هدف کنترل بهای انرژی در بازار و تأمین امنیت انرژی با اتکاء به تکنولوژی‌های نوین اشتراک و تشابه دارند. این مقاله با استفاده از روش مقایسه‌ای دیپلماسی انرژی، دولت‌های مذکور را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا ابتدا دیپلماسی انرژی در قالب شاخص‌های: روابط بین‌المللی، سیاست انرژی، تجارت انرژی، امنیت انرژی و محیط‌زیست مطرح می‌شود. همچنین، برای هریک از شاخص‌ها معرف‌هایی، به‌عنوان مؤلفهٔ آن شاخص، در نظر گرفته شد تا مقایسه‌ای هدفمند انجام گیرد.

کلمات کلیدی: دیپلماسی انرژی، سیستم جهانی انرژی، امنیت انرژی، نظم نوین جهانی انرژی، تجارت انرژی، محیط زیست.

---

۱. استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی. تهران ، ایران. (a.keivan.ir@gmail.com)

۲. استادیار و رئیس موسسهٔ مطالعات بین‌المللی انرژی. تهران، ایران (ms.jokar@iies.net)

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران ایران، نویسنده مسئول . (hamed_lame@iki.ac.ir)

مقدمه

تأثیر فزایندهٔ انرژی بر امنیت ملی و اقتصاد کشورها، به مقدمه‌ای برای ورود این مؤلفه به حوزه‌های دیپلماسی و سیاست‌خارجی تبدیل شده است. به این ترتیب، نشانه‌هایی دال بر تبدیل شدن انرژی به موضوعی «فوری»، «ژئوپلیتیک» و «استراتژیک» آشکار شد؛ تحولی که ریشه در بروز بی‌اعتمادی نسبت به جریان انرژی و امنیتی شدن موضوعاتی چون در دسترس بودن، مقرون‌به‌صرفه بودن و عرضهٔ دائمی بودن آن داشت. در واقع، در راستای وابستگی فزایندهٔ مصرف‌کنندگان مدرن و اقتصاد معاصر به انرژی، مفاهیم اقتصاد و انرژی به مفاهیمی جدایی‌ناپذیر تبدیل شدند و حتی می‌توان ادعا کرد که انرژی، هم از نظر مفهومی و هم از نظر تاریخی، از دو کانال امنیت و اقتصاد، به عرصهٔ سیاست‌گذاری خارجی گام نهاده است. واقعیات یادشده در مواجهه با «بروز تحول در نحوهٔ درک از مخاطرات امنیت ملی انرژی»، به‌ویژه تغییر رویکرد استفاده از انرژی‌های فسیلی به انرژی‌های کم‌کربن، روابط متقابل جاری در بستر محیط‌های ژئوپلیتیک، استراتژی‌های امنیت ملی، سیاست‌های خارجی و دیپلماسی‌های انرژی را پویاتر کرده است. بر این پایه، درک و شناخت دقیق و عمیق از دیپلماسی انرژی بازیگران تأثیرگذار در عرصهٔ انرژی، به‌ویژه ایالات متحده به‌عنوان یکی از بازیگران تأثیرگذار در سیستم جهانی انرژی، احتمالات مربوط به وقوع و صورت‌بندی جدید نظم جهانی انرژی را شفاف‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر می‌کند. از این رو، در این مقاله تلاش می‌شود ابعاد راهبردی و تجویزی دیپلماسی انرژیِ یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین بازیگران عرصهٔ جهانی انرژی از طریق پاسخ به این سؤال که «وجوه تفاوت و تشابه دیپلماسی انرژی آمریکا در بازهٔ زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۳ کدام است؟» با تئوریزه کردن بحث دیپلماسی انرژی و تولید شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن، به بررسی دقیق دو دولت اخیر ایالات متحده، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران عرصهٔ جهانی انرژی، پرداخته شود. با توجه به نحوهٔ درک هریک از رؤسای جمهور ایالات متحده از دیپلماسی انرژی، فرضیهٔ در نظر گرفته‌شده عبارت‌اند از اینکه: دو دولت در رهیافت، جهت‌گیری‌ها و رویکردها نسبت به نظام بین‌المللی، اصول سیاست خارجی، رویکرد به سیستم جهانی انرژی، ابزارهای تحقق سیاست انرژی، نوع سرمایه‌گذاری‌ها، شاخص محیط زیست، امنیت انرژی و پاسخ به اختلالات بازار با هم تفاوت داشته‌اند و در مؤلفه‌های ایجاد نظم نوین انرژی، قاعده‌سازی، تسلط و ایفای نقش رهبری در سیستم جهانی انرژی، نفوذ و تأثیرگذاری بر سازمان‌های بین‌المللی انرژی، نحوهٔ سرمایه‌گذاری‌ها، قیمت‌گذاری با هدف کنترل بهای انرژی در بازار و تأمین امنیت انرژی با اتکاء به تکنولوژی‌های نوین اشتراک

و تشابه دارند. روش تحقیق مورد نظر نیز روش کیفی در قالب تکنیک مقایسه‌ای است.

در راستای آشنایی با منابع مرتبط با جهت‌گیری تحلیلی این نوشتار، ابتدا به آثار نویسندگان داخلی اشاره می‌شود:

بنجامین سوواکول (۱۳۹۱) در کتاب *مرجع امنیت انرژی* که علیرضا طیب آن را ترجمه کرده است، ابعاد امنیت انرژی و تلاش‌هایی را که در مقیاس ملی و بین‌المللی برای سنجش آن به عمل آمده است و بررسی‌های موردی خاص و پیچیدگی‌هایی را که در عمل در ارتباط با امنیت انرژی وجود دارد، به بررسی می‌گذارد. این کتاب با مشخص کردن تعاریف و ابعاد گوناگون امنیت انرژی به تعاریفی می‌پردازد که بر در دسترس‌بودن، بهره‌وری انرژی، تجارت، کیفیت محیط زیست، و ادارهٔ اجتماعی و سیاسی انرژی تأکید دارند. رابرت لونی (۱۳۹۲) در اثری به نام *مرجع سیاست نفت*، که علیرضا طیب ترجمه کرده است، در بخش نخست، مروری کلی بر ابعاد سیاسی بنیادی عرضهٔ نفت دارد. بخش دوم کتاب، برخی از پاسخ‌های سیاسی به تحولات مرتبط با نفت را به بررسی می‌گذارد. قسمت سوم، به بررسی نفت و قدرت سیاسی در آفریقا، آمریکای لاتین، خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا اختصاص یافته است. یک رشته نمونه‌پژوهی دربارهٔ کشورهایی مانند عراق، ایران، عربستان‌سعودی، مصر، روسیه و برزیل در بخش چهارم انجام شده است و در نهایت، بخش آخر کتاب به مسائل اصلی آیندهٔ نفت در جهانی که انتشار کربن را محدود ساخته است، می‌پردازد. هادی آجیلی و مونا مصیبی (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان *ایالات متحده آمریکا، تکنولوژی شیل و نفت خاورمیانه*، با اتکا بر چارچوب مفهومی تئوری ثبات هژمونیک، در مورد فناوری نوین استحصال انرژی و بررسی و تحلیل گزارش‌ها تلاش می‌کنند تا با نگاهی جامع ارتباط وثیقی بین سه حوزهٔ فنی و مهندسی، اقتصادی و در نهایت، تأثیرات و اندازه‌گیری اثرات آن بر حوزه‌های سیاسی و امنیتی بپردازند. در اینجا باید به این نکته اشاره شود که در منابع بررسی‌شده به زبان فارسی منبعی که تحلیلی جامع از دیپلماسی انرژی دولت‌های مورد بحث ارائه کند، یافت نشد.

در میان منابع غیرفارسی، استیون گریفیث (۲۰۱۹) در مقالهٔ «دیپلماسی انرژی در دوران گذار انرژی»، بدون توجه به دیپلماسی انرژی کشوری خاص، به اهمیت راهبردی این نوع دیپلماسی پرداخته است و می‌کوشد مجموعه‌ای از راهنمایی‌های راهبردی را به کشورهای صادرکنندهٔ هیدروکربن ارائه دهد. وی توفیق دیپلماسی انرژی را به عواملی چون سرمایه‌گذاری مشترک و همکاری علم و فناوری منوط می‌داند. فرید گالیو (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست انرژی ترامپ، *اول آمریکا*، احتمال وقوع صورت‌بندی جدید

نظم جهانی انرژی» را مورد تأکید قرار می‌دهد و در این راستا می‌کوشد «شاخص‌های نظم نوظهور جهانی انرژی»، به‌ویژه انقلاب شیل در ایالات متحده را مورد بحث قرار دهد. در عین حال، وی از پیامدهای سیاست‌های اقتصادی نئومرکانتیلیستی و یک‌جانبه‌گرایانهٔ ترامپ بر نظام مدیریت انرژی جهانی نیز غفلت نکرده است. دورهام مک‌کورمیک (۲۰۲۱) به همراه همکارانش، در مقاله‌ای به «سیاست انرژی پرزیدنت بایدن: دستورات اجرایی اولیه و تغییرات کلیدی سریع نظارتی» می‌پردازد و مجموعه‌ای از سیاست‌ها و دستورات اجرایی‌ای را که بایدن در روزهای اول آغاز به کار دولتش ابلاغ کرد، دسته‌بندی و ارائه کرده است. کارول نخله (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست انرژی بایدن: وفاداری به روش‌های گذشته» تلاش می‌کند سیاست‌های انرژی بایدن را بررسی کند. به اعتقاد وی، سیاست‌های انرژی کابینهٔ وی با تغییرات اندکی ادامهٔ سیاست‌های باراک اوباما در زمینهٔ انرژی است. استیون وینبرگ (۲۰۲۲) طی مقاله‌ای با عنوان «سیاست انرژی بایدن چیزی جز سیاست‌های سال انتخابات نیست»، سیاست مزبور را ضعیف، پرهزینه و خطرناک دانسته و در این مورد مدعی شده است که از ژانویه ۲۰۲۱، یعنی قبل از حملهٔ روسیه به اوکراین، به دلیل تلاش‌های بایدن برای توقف تولید نفت و گاز طبیعی، به‌ویژه صنایع شیل و تلاش‌های ناموفق او برای افزایش تولید نفت اوپک و دیگر رقبا، قیمت گاز روندی افزایشی داشته است؛ وضعیتی که امنیت ملی ایالات متحده را با بحران و نارسایی مواجه ساخته است. جیم هاپف (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان « The party platforms on energy and nuclear» سیاست‌های احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه را در حوزهٔ انرژی مورد بررسی قرار داده است.

با توجه به توضیحات بالا، مهم‌ترین وجه نوآوری مقالهٔ پیش رو، علاوه‌بر جدید و به‌روزبودن موضوع طرح‌شده در مورد دیپلماسی انرژی، تلاش شده در بخش چارچوب مفهومی دیپلماسی انرژی تئوریزه شود تا ضمن شاخص‌بندی مؤلفه‌های تشکیل‌دهندهٔ دیپلماسی انرژی در دولت‌های یادشده و مقایسهٔ آنها با یکدیگر بتوان وجوه تفاوت و تشابه را استخراج کرد؛ کاری که در هیچ‌یک از منابع مورد بررسی صورت نگرفته است.

چارچوب مفهومی؛ دیپلماسی انرژی

تمامی کشورهای جهان نیازمند منابع انرژی هستند؛ اما این منابع در اختیار تعداد معدودی از کشورهاست. از این رو، تجارت انرژی به امری حیاتی برای نظام بین‌الملل تبدیل شده است. ارتباط بخش انرژی کشورها با اقتصاد سیاسی بین‌المللی موجب افزایش

اهمیت و جایگاه این کالا در روابط اقتصادی میان کشورها شده است. در حوزهٔ تجارت انرژی سه عنصر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند که عبارت‌اند از اقلام، طرف‌ها و شرایط تجاری (توکلی، ۱۳۹۸). در این ارتباط، از مقولهٔ «تأمین امنیت انرژی» سخن گفته شده که به‌طور سنتی شامل چندین مفهوم کلیدی است: در دسترس بودن، قابلیت اطمینان و مقرون‌به‌صرفه بودن (Pascual & Elkind, 2010). اما در دو دههٔ گذشته دو جنبهٔ مهم دیگر اضافه شده است: بهره‌وری و پایداری محیطی و انتقال به انرژی کم‌کربن.

مقولهٔ دیپلماسی انرژی از بُعد سلسله‌مراتب محتوایی ذیل دو مقولهٔ دیپلماسی اقتصادی و سیاست انرژی قرار می‌گیرد. دیپلماسی انرژی به‌طور خاص بر روابط خارجی در حوزهٔ انرژی تمرکز دارد(Bovan, Vucenovic, & Peric, 2020) . واژهٔ دیگری که در کنار دیپلماسی انرژی کاربرد دارد و بخشی از این مفهوم را در بر می‌گیرد، دیپلماسی انرژی تجاری است. این مفهوم ترکیبی از دیپلماسی تجاری و دیپلماسی انرژی است که حمایت سیاسی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی برای توسعه و رونق کسب‌وکارهای حوزهٔ انرژی را شامل می‌شود (Stoddard, 2017) . سیاست انرژی را می‌توان متشکل از این عناصر هشت‌گانه دانست: اول: بیانیه‌ها و اتخاذ سیاست ملی در مورد برنامه‌ریزی انرژی، تولید، انتقال و استفاده از انرژی؛ دوم: قانون فعالیت‌های تجاری انرژی (تجارت، حمل‌ونقل، ذخیره‌سازی و غیره)؛ سوم: قوانین مؤثر بر مصرف انرژی، مانند استانداردهای بهره‌وری و استانداردهای انتشار کربن؛ چهارم: دستورالعمل‌ها برای دارایی‌ها و سازمان‌های بخش انرژی دولتی؛ پنجم: مشارکت فعال، هماهنگی و مشوق‌های اکتشاف سوخت‌های فسیلی و سایر سوخت‌ها؛ ششم: مدیریت و تصمیم‌سازی در خصوص سیاست‌های تحقیق و توسعهٔ مرتبط با انرژی؛ هفتم: سیاست‌های مالی مرتبط با محصولات و خدمات انرژی (مالیات، معافیت‌ها، یارانه‌ها و غیره)؛ هشتم: اقدامات در حوزهٔ سیاست بین‌المللی، مانند: معاهدات و اتحادهای بین‌المللی بخش انرژی، قراردادهای تجاری بین‌المللی عمومی، روابط ویژه با کشورهای غنی از انرژی، ازجمله حضور نظامی یا سلطه بر منابع دیگر کشورها (سوواکول، ۱۳۹۱، صص. ۲۲۲-۱۸۴).

دیپلماسی انرژی (به‌عنوان یکی از مفاهیم سازندهٔ دیپلماسی اقتصادی)، می‌تواند از ابعاد تجویزی و راهبردی حاوی توضیحاتی مناسب در جهت پاسخ‌یابی برای این پرسش باشد: سیاست خارجی یک کشور چگونه می‌تواند امنیت انرژی را تأمین کند؟ از این دریچه، این نوع دیپلماسی به‌مثابهٔ یک سیستم جامع، بررسی محورهایی چون «پیوند و تأثیر متقابل سیاست داخلی و خارجی» را در دستور کار دارد. بر این پایه، دیپلماسی

انرژی را می‌توان حوزهٔ پیچیده‌ای از روابط بین‌الملل دانست که ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی با سیاست خارجی و به‌طور کلی منافع و امنیت ملی، به‌ویژه امنیت انرژی دارد. سه مفهوم امنیت ملی، سیاست خارجی و امنیت انرژی ساختاری هستی‌شناختی از بالا به پایین نسبت به یکدیگر دارند. در این چارچوب، امنیت ملی مفهومی کلی در بالاترین سطح قرار دارد و سیاست خارجی در سطح میانی که جنبهٔ بین‌المللی مخاطرات امنیت ملی را پوشش می‌دهد و پایین‌ترین سطح، دیپلماسی انرژی است. به عبارت دیگر، سیاست خارجی ابزاری برای اجرای امنیت ملی، انرژی یکی از موارد اساسی در دستور کار امنیت ملی تلقی می‌شود که منجر به ایجاد ارتباط مستقیم امنیت ملی با سیاست خارجی و بالطبع دیپلماسی انرژی می‌شود (Paleri, 2008). دیپلماسی انرژی به‌عنوان شکلی از دیپلماسی و زیرشاخهٔ روابط بین‌الملل، به هر فعالیت دیپلماتیکی اطلاق می‌شود که برای افزایش دسترسی به منابع انرژی طراحی شده است و به مجموعه‌فعالیت‌های یک کشور در خصوص انرژی در تعامل با سایر دولت‌ها گفته می‌شود. به موجب آن، برنامه‌ها، سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی باید مد نظر قرار گیرد (Giuli, 2015). الگوی مفهومی دیپلماسی مزبور از دو منظر حائز اهمیت است: اول، بُعد تاریخی آن که با ژئوپلیتیک مرتبط است و به‌عنوان الگویی برای حل مشکل ژئوپلیتیکی در نظر گرفته می‌شود. بر این مبنا، برای مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی این امر در تلاش‌های دیپلماتیک برای تأمین منابع انرژی، انعکاس داشته است و برای تولیدکنندگان بزرگ انرژی نیز در استفاده از این الگو برای بهبود و تسریع دسترسی به بازارهای جهانی، نمود و بروز پیدا می‌کند. دوم، بُعد حکمرانی جهانی انرژی است. بر اساس این الگو، تلاش‌های دیپلماتیک باید به دنبال تضمین این باشد که نظم جهانی این کالا بتواند انرژی را به گونه‌ای اداره کند که به اهداف کلیدی حاکمیتی در مورد امنیت انرژی، دسترسی به انرژی و تغییرات آب‌وهوایی دست یابد (Downie, 2019). در این میان، عوامل مختلفی مانند درگیری‌های ژئوپلیتیکی، شوک‌های نفتی، روابط پیچیدهٔ دوجانبه و چندجانبهٔ کشورهای تولیدکننده، اختلال در تأمین امنیت انرژی به دلیل وقفه در تولید به منظور اکتشاف، توسعه و تعمیرات تأسیسات انرژی، بلایای طبیعی یا اعتراضات سیاسی و اجتماعی در کشورِ تولیدکنندهٔ انرژی یا کشورِ عبوردهندهٔ انرژی، همچنین ظرفیت‌های پالایشی که محدودیتی عمده در عرضهٔ انرژی هستند، منجر به تأثیرات قوی بر دیپلماسی انرژی شده‌اند (Yergin, 2006).

از سوی دیگر، مبنای ارزش‌شناختی نظریهٔ دیپلماسی انرژی بر این فرض معنا یافته که انرژی به‌عنوان یکی از منابع اساسی برای توسعه و رشد اقتصادی و اجتماعی در جهان،

ابزار قدرت و تأثیرگذاری در روابط بین‌المللی است. بنابراین، دستیابی به منابع انرژی و کنترل آنها، به‌عنوان یکی از محورهای مهم سیاست خارجی کشورها، به منظور تأمین منافع ملی و تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی آنها، بسیار مهم است. در جهان امروز، رقابت برای دستیابی به منابع انرژی و کنترل آنها، به رقابتی بین‌المللی تبدیل شده است که در آن کشورها با هم رقابت می‌کنند تا در صدر قرار بگیرند و منافع ملی خود را تأمین کنند. به عبارت دیگر، نظریهٔ دیپلماسی انرژی بر این اصل تأکید می‌کند که کشورها باید با توجه به نیازهای انرژی خود، به دنبال یافتن منابع انرژی جدید و بهبود روابط خود با دیگر کشورها در زمینهٔ انرژی باشند. بنابراین، الگوی مفهومی دیپلماسی انرژی سیستمی است برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها، قطع‌نامه‌ها و رفتار دولت‌های خارجی و سایر عوامل بین‌المللی از طریق گفت‌وگوی دیپلماتیک، مذاکره، لابی‌گری، حمایت و سایر روش‌های صلح‌آمیز (Meierding, 2011). بنابراین، دیپلماسی انرژی از گذرگاه امنیت ملی وارد حوزهٔ سیاست خارجی شد؛ و به‌عنوان یک نگرانی امنیتی مورد قضاوت قرار گرفت. از این رو، تمام ویژگی‌های یک موضوع امنیتی را به دست آورد و به‌طور مداوم برای تعیین سطح خطر، پیشگیری بالقوه یا مداخله در زمینه‌های دیپلماتیک رصد می‌شود (Soobramanien, 2016).

نکتهٔ بعد به شاخص‌ها و عوامل تشکیل‌دهندهٔ دیپلماسی انرژی مربوط است. در این مورد به مؤلفه‌هایی چون الگوی نظم بین‌المللی، سیاست انرژی، امنیت انرژی، تجارت انرژی و مسائل زیست‌محیطی اشاره شده است؛ با این قید که مؤلفه‌های یادشده در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به گونه‌ای مرتبط و متعامل با هم باید در نظر گرفته شوند (Giuli, 2015). در همین زمینه بیان شده است که دیپلماسی انرژی رابطهٔ مستقیم و پیوسته‌ای با سیاست‌های داخلی و خارجی هر کشور دارد و به‌طور خاص بر روابط خارجی در حوزهٔ انرژی متمرکز است (Bovan, Vucenovic, & Peric, 2020). در این شرایط، بازیگران عرصهٔ نظام بین‌الملل برای تأمین امنیت ملی خود مدام و از نزدیک، شدت مصرف انرژی را در سرتاسر جهان پایش می‌کنند؛ منابع انرژی برای حمایت از اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی مورد استفاده قرار گرفته، امنیت عرضه به دستور کارهای ملی و بین‌المللی شکل داده و به ایجاد ائتلاف کشورهای تولیدکنندهٔ نفت و گاز در قالب سازماندهی‌های مختلفی منجر شده است و در نهایت، باعث شده شرکت‌های نفت و گاز به مؤثرترین سازمان‌ها در عرصهٔ تجارت جهانی و تأثیرگذار بر قدرت بازیگران تبدیل شوند (Perticone, 2019). از این زاویه، دیپلماسی انرژی یک حوزهٔ دیپلماتیک رو به رشد با

هدف تأمین امنیت انرژی است (Meierding, 2011).

ناگفته نماند که رفتار کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کنندهٔ انرژی در زمینهٔ کاربست سیاست خارجی برای تضمین جریان پایدار انرژی، امنیت منابع انرژی و به‌طور کلی دیپلماسی انرژی متفاوت است. کشورهای تولیدکنندهٔ انرژی بیشتر بر استفاده از دیپلماسی انرژی برای گسترش صادرات و حضور خود در بازارهای جهانی متمرکز هستند (Watkins, 2019). به عنوان مثال، هدف دیپلماسی انرژی یک کشور صادرکننده، مانند روسیه، تضمین دسترسی به خریداران نفت و گاز است. این مشابه دیپلماسی انرژی سازمان کشورهای صادرکنندهٔ نفت (اوپک) است که تمرکز آن بر صادرات و حفظ تقاضای خارجی برای نفت اعضا است. کشورهای مصرف‌کننده و واردکنندهٔ انرژی نیز از دیپلماسی انرژی برای تأمین منابع انرژی و جریان ورودی ثابت آن استفاده می‌کنند؛ مانند دیپلماسی نفت چین در آفریقا یا با کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس و ایران. همچنین، استراتژی‌های ترکیبی‌ای وجود دارد که دولت‌هایی که هم مصرف‌کننده و هم تولیدکنندهٔ بزرگ انرژی هستند، آن را اتخاذ و اجرا می‌کنند؛ مانند هند و ایالات متحده (IAE, 2017). نکتهٔ نهایی اینکه، در سطح نهادی، دیپلماسی انرژی معمولاً بر موضوعاتی مانند اهداف و دستورالعمل‌ها تمرکز می‌کند: مقررات و صرفه‌جویی در انرژی؛ توسعهٔ انرژی‌های پاک و استفاده از منابع تجدیدپذیر؛ تحقیق و توسعه جهت اکتشاف و افزایش بهره‌برداری از منابع، گسترش بازارهای انرژی برای به‌اشتراک‌گذاری این کالا، حمل‌ونقل و ترانزیت انرژی؛ هشدار و پاسخ اولیه به اختلالات در حوزهٔ انرژی؛ تعیین راهبردها و راهکارها برای مقابله با تغییرات اقلیمی و گرمایش زمین، پایداری و انتقال انرژی (Griffiths, 2019).

کلیاتی در مورد دیپلماسی انرژی آمریکا (تا قبل از دورهٔ ترامپ)

نکتهٔ ابتدایی اینکه، دیپلماسی انرژی آمریکا به مجموعه‌فعالیت‌های دیپلماتیکی و سیاسی ـ اقتصادی گفته می‌شود که به منظور تأمین منافع انرژی و تعامل با کشورهای دیگر در حوزهٔ انرژی انجام می‌گیرد. این فعالیت‌ها شامل برقراری روابط با کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کنندهٔ نفت و گاز، توسعهٔ فناوری‌های جدید و افزایش بهره‌وری در مصرف انرژی، افزایش صادرات انرژی آمریکا به کشورهای دیگر و توسعهٔ تجارت انرژی بین‌المللی است. نفت نقشی کلیدی در سیاست‌های انرژی کشوری تأثیرگذار در ساختار نظام بین‌المللی، چون آمریکا، بازی می‌کند. هر چند، استفاده از قدرت نظامی جهت پشتیبانی از جریان نفت همواره اساس سیاست خارجی آمریکا از سال ۱۹۴۵ تاکنون بوده است. این کشور

همیشه به‌دنبال دستیابی به منابع جدید نفت برای استفاده از آن در صنایع نظامی و اقتصادی خود بوده است. تعقیب چنین سیاستی از دلایلی ناشی است که قبل از هرچیز دلایلی چون اهمیت نقش انرژی فسیلی در صنایع تولیدی و صنعتی، توانایی بر صنایع بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت، در تعقیب چنین سیاستی مؤثرند (قنبرلو, ۱۳۸۹, ص. ۲۳۴). عناصر دیپلماسی انرژی آمریکا بر اساس منابع و اسناد مختلف را می‌توان شامل روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، سیاست‌های انرژی، تجارت انرژی، امنیت انرژی و محیط زیست دانست.

با پایان جنگ سرد و تغییر رویکرد اکثر کشورها به سمت رشد و توسعهٔ اقتصادی، انرژی و منابع انرژی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. ایالات متحده هم، به‌عنوان کشوری تأثیرگذار بر سیستم جهانی انرژی، تلاش کرد تا جایگاه و نقش خود را در این سیستم تعریف کند تا به واسطهٔ آن آسیب‌پذیری کمتری داشته باشد. در همین راستا دولت‌های ایالات متحده تلاش کردند، چه در حوزهٔ داخلی و چه در عرصهٔ خارجی، با اتخاذ تصمیمات و وضع قوانین و مقررات راه را برای استقلال انرژی در راستای ارتقای امنیت ملی هموار کنند. لازم به ذکر است که تمامی دولت‌های بعد از جنگ سرد برخاسته از دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات هستند که رؤسای جمهوری نیز متعهد به اصول و ساختارهای حزب می‌باشند. معمولاً نیز حزب برنده، پس از پیروزی، اهداف حزبی را در سیاست‌های داخلی و خارجی ملحوظ و مراعات می‌کند. برای فهم مؤلفه‌های دیپلماسی انرژی و پیامدهای اتخاذ دیپلماسی‌های انرژی نیازمند شناخت این احزاب تأثیرگذار هستیم. از آنجا که در بررسی سیاست‌های انرژی باید تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن را در دو حوزهٔ اقتصاد و سیاست خارجی پیگیری کرد، در ادامه به برخی از اصول اقتصادی و دیدگاه‌های حاکم بر سیاست خارجی هر یک از احزاب پرداخته می‌شود.

نگاه دموکرات‌ها در حوزهٔ انرژی مباحث مربوط به محیط زیست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اعتقاد به استفاده از منابع انرژی برگشت‌پذیر در راستای حفاظت از محیط زیست است. در خصوص منابع سنتی انرژی نیز آنها معتقدند تولید نفت و گاز می‌بایست در مناطق موجود در خشکی با کمترین آسیب به محیط زیست انجام شود. با توجه به اهمیت موضوع محیط زیست در برنامه‌های این حزب سیاست‌های مربوط به انرژی را می‌توان در این بخش مشاهده کرد. به اعتقاد دموکرات‌ها، برای دستیابی به توافق جهانی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای باید کاهش انتشار داخلی در دستور کار قرار گیرد. به‌طور خاص، دولت ملزم به انجام تلاش‌های دیپلماتیک برای حصول به توافق بین‌المللی

برای محدود کردن و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای است. در داخل کشور با سرمایه‌گذاری در زمینهٔ انرژی پاک در قالب اقدامات عملی و قانون‌گذاری و همچنین، اقدامات نظارتی، شامل: استاندارد کردن مصرف خودروها، محدودسازی ایجاد نیروگاه‌های جدید با سوخت زغال‌سنگ، تلاش‌های قانونی شامل محدودیت تجارت، مالیات بر CO_2 یا استاندارد انرژی پاک. گرمایش جهانی یک خطر واقعی، فوری و شدید برای امنیت ملی آمریکا به شمار می‌رود و استدلال می‌شود که این امر منجر به افزایش درگیری‌های ژئوپلیتیکی بر سر منابع (به‌عنوان مثال آب) و افزایش شمار افرادی می‌شود که بر اثر این خطر سکونتگاه‌های خود را از دست می‌دهند و به‌عنوان پناهنده خواستار ورود به کشورهای دیگر می‌شوند. خشکسالی، قحطی و افزایش شدید بلایای طبیعی. درحالی‌که حزب دموکرات با حفاری نفت و گاز در مناطق حساس به محیط زیست، مانند پناهگاه حیات وحش قطبی، مخالف است؛ اما به نقش مهمی که سوخت‌های فسیلی در آیندهٔ انرژی آمریکا ایفا می‌کند، اذعان دارد. به همین دلیل در برنامه‌های اعلامی عنوان می‌کنند به جای اکتشاف و حفاری در مناطق حفاظت‌شده، در مناطق دیگری به دنبال اکتشاف و حفاری برای دستیابی به منابع نفت و گاز باشند. (Hopf, The party platforms on energy and nuclear, 2012)

حزب جمهوری‌خواه به توسعهٔ منابع سنتی انرژی تمایل بیشتری دارد. به اعتقاد آنها انرژی هسته‌ای، فراوان و مقرون‌به‌صرفه است و جزء انرژی‌های پاک به شمار می‌رود. این حزب معتقد است که برای تولید نوع بی‌خطر این انرژی باید به توانایی بازار آزاد اعتماد کرد. به اعتقاد آنها ترکیبی از انرژی‌های مختلف، گزینهٔ مناسبی برای اقتصاد آمریکا به حساب می‌آید. به‌طور کلی سیاست انرژی حزب جمهوری‌خواه حمایت از همهٔ اشکال انرژی است. به اعتقاد آنها توسعهٔ مسئولانهٔ همهٔ منابع انرژی که منجر به تأمین انرژی داخلی امن، پایدار، قابل‌اعتماد و مقرون‌به‌صرفه شود مورد حمایت است. جمهوری‌خواهان بر این نکته تأکید دارند که یک استراتژی مناسب در حوزهٔ انرژی باید دربرگیرندهٔ اهداف کلی، شامل ایجاد مشاغل، تحریک رشد اقتصادی، کاهش قیمت انرژی و تقویت صنعت انرژی داخلی باشد.

این حزب با مقررات زیست‌محیطی فدرال و آژانس حفاظت از محیط زیست مخالفت می‌کند و اولویت را به تأمین اهداف صنعتی می‌دهد تا اهداف زیست‌محیطی. رویکرد این حزب به مسئلهٔ تولید برق از منابع زغال‌سنگ، پشتیبانی از توسعهٔ کارخانه‌های جدید تولید زغال‌سنگ پاک است. در رابطه با نفت و گاز، استفاده از نفت وارداتی را

نامطلوب ارزیابی و استدلال می‌کنند. آنها معتقدند درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز به آمریکا، اگر در اختیار ملت‌ها یا گروه‌ها و جریاناتی که مخالف ایالات متحده هستند، قرار گیرد، منجر به قدرت‌گیری آنها و آسیب رساندن به این کشور می‌شود. راه‌حل عملی آنها نیز، مطالعه، تحقیق و اکتشاف منابع نفت و گاز مناطق فراساحلی، سرزمین‌های فدرال و پناهگاه ملی حیات وحش قطبی در توسعهٔ نفت و گاز است. همچنین، به صراحت حمایت خود را از خط لولهٔ نفت کیستون XL (از کانادا تا پالایشگاه‌های ایالات متحده) به دلایل مشابه اعلام و از دموکرات‌ها، به‌ویژه در زمان اوباما، به دلیل مخالفت با این خط لوله، انتقاد می‌کنند. توسعهٔ انرژی‌های تجدیدپذیر به‌طور کلی مورد حمایت این حزب است؛ اما با پرداخت و ضمانت وام دولتی برای پروژه‌های تحقیق و توسعهٔ فناوری انرژی‌های تجدیدپذیر مخالف‌اند. در عوض، از رویکرد مبتنی‌بر بازار برای توسعهٔ انرژی‌های تجدیدپذیر حمایت می‌کند. جمهوری‌خواهان از انرژی هسته‌ای حمایت می‌کنند و معتقد به گسترش آن هستند (Hopf, The party platforms on energy and nuclear, 2012). اگرچه هردو حزب معتقدند وابستگی به واردات نفت تهدیدی برای اقتصاد و منافع ملی این کشور محسوب می‌شود، یکی از بزرگ‌ترین تفاوت‌های بین سیاست‌های احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه در سال‌های اخیر، رویکرد آنها به تغییرات آب‌وهوایی بوده است. به‌طور خاص، می‌توان به نقش سیاست انرژی ایالات متحده در انتشار کربن در دولت‌های مختلف اشاره کرد. (Funk & Hefferon, 2019) .

دیپلماسی آمریکا در سایهٔ آرمان «آمریکا اول»

ترامپ در چارچوب مواضع انتخاباتی خود بر توسعهٔ صنعت نفت و گاز تأکید کرد و وعده داد از طریق افزایش تولید این منابع، ایالات متحده را به خودکفایی انرژی نزدیک‌تر کند. در حوزهٔ قوانین و مقررات نیز قول داد که محدودیت‌های زیست‌محیطی در صنعت نفت و گاز را کاهش دهد تا به این ترتیب، تولید این منابع افزایش یابد (Guliyev, 2020). به‌طور منطقی برای فهم جایگاه دیپلماسی انرژی در دستور کار سیاست خارجی کابینهٔ ترامپ، باید با مهم‌ترین جهت‌گیری‌های اصولی آن (سیاست خارجی) آشنا شد. در این مورد نکات زیر راهگشاست:

پافشاری بر شعار «آمریکا اول» که به دنبال تغییر در سیاست خارجی و در واقع، احیای اقتدار آمریکا بود؛ آنچه به مضامینی چون ملی‌گرایی محافظه‌کارانه با گرایش به جکسونیسم نزدیک بود (کیوان‌حسینی و نورانی، ۱۳۹۸).

(در راستای محور قبلی) پافشاری بر عدم‌مداخله (Cassidy, 2016). در واقع، به اعتقاد وی، نگاه دولت‌مردان آمریکایی باید به درون باشد، از «ملت‌سازی» در مناطق دیگر دست بردارند و منابع خود را در راستای نیازهای داخلی مصرف کنند (Rucker, 2016). در همین راستا، با رویکرد مطلق‌گرایی نسبت به مسائل بین‌المللی و با نگاه امنیتی به جهان، به دنبال تحقق شعار دولت خود بود.

نفی مسئولیت‌های بین‌المللی، کاستن از تعهدات نظامی در قبال متحدین و کاربست یک‌جانبه‌گرایی؛ (جهانگیری و مهدی‌پور، ۱۳۹۹). در این مورد به لغو و حتی برعکس کردن شمار زیادی از سیاست‌های باراک اوباما در ماه‌های نخست ریاست جمهوری نیز توجه شده است. به‌ویژه از بعد پایان‌بخشی به تعهدات بین‌المللی آمریکا در حوزهٔ محیط‌زیست جهانی؛ آنچه در خروج از معاهدهٔ پاریس نمایان شد (Euronews, 2017). در این مورد، برخی مدعی‌اند که ترامپ برای تحقق اهداف خود در حوزهٔ خودکفایی در عرصهٔ نفت و گاز، به‌رغم مخالفت‌های فراوان از سوی کارشناسان مسائل زیست‌محیطی جهانی، از مهم‌ترین توافق بین‌المللی، یعنی توافق پاریس، خارج شد (Mooney, 2015).

با توجه به نکات یادشده، دورنمای چگونگی برخورد کابینهٔ نوپا با مقولهٔ انرژی و نقش و جایگاهی که برای ایالات متحده در عرصهٔ جهانی بازار انرژی متصور است، قابل‌پیش‌بینی بود. با این حال، شایسته است به برخی از مهم‌ترین سیاست‌ها و اقدامات وی در عرصهٔ داخلی و در ارتباط با صنعت انرژی اشاره شود:

طرح این دیدگاه از سوی ترامپ که آژانس حفاظت محیط زیست مانعی است بر سر رشد و اشتغال آمریکایی‌ها در حوزهٔ انرژی، به‌ویژه در ایالت‌های مستعد این حوزه (Koronowski, 2015). ناگفته نماند که در این چارچوب، متأثر از باور ترامپ به «بزرگ‌نمایی از چالش‌های زیست‌محیطی بین‌المللی»، بسیاری از محدودیت‌های مربوط به تولید منابع غیرمتعارف نیز لغو یا کم‌اثر شد (Guliyev, 2020).

لغو بسیاری از قوانین داخلی که مانع توسعهٔ اکتشاف، بهره‌برداری و تولید منابع فسیلی می‌شد (Nakhle, 2021). در این مورد به صدور مجوز برای حفاری در اراضی فدرال، ازجمله پناهگاه ملی حیات وحش قطب شمال اشاره شده است. ناگفته نماند که این دولت در سال ۲۰۱۹ نزدیک به ۳ میلیون بشکه نفت خام در روز از زمین‌ها و آب‌های فدرال به همراه ۱۳/۲ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی تولید می‌کرد (Cohen, 2022).

در نظر ترامپ، دیپلماسی انرژی آمریکا بر مدار خطوط راهنمای مورد نظر وی، به‌ویژه «تقدم منافع ملی آمریکا در برابر جهانی شدن» باید تعریف و اجرا می‌شد. بر این

پایه، می‌توان بر دستور کار «ایجاد نظم جهانی نوین انرژی و قاعده‌سازی در سیستم مزبور» در جهت تحقق «نقش رهبری آمریکا در حوزهٔ جهانی انرژی» تأکید داشت. مهم‌ترین جلوه‌های رویکرد کلان یادشده عبارت بود از: استفاده از سیاست قدرت و سازش‌ناپذیری با دیگر رقبا، در قالب حذف و تحت فشار قرار دادن بازیگران سنتی (مانند: عربستان و اوپک) و یا اعمال سیاست تحریم (علیه ایران و ونزوئلا).

اهتمام بر فناوری شیل

قابلیت اطمینان به منابع داخلی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های تحقیق و توسعهٔ این منابع، به ایالات متحده این امکان را داد تا این منابع را برای مصرف داخلی و حتی صادرات مقرون‌به‌صرفه کند (Guliyev, 2020). در این خصوص، بایسته‌ترین نمونه به «تولید نفت و گاز از منابع شیل» بازمی‌گردد. هر چند (همان‌گونه که اشاره شد) پیشبرد کمّی و کیفی تکنولوژی مزبور در دستور کار اخلاف ترامپ نیز قرار داشت؛ و بر این مبنا او را می‌توان میراث‌دار آثار مثبت و ارتقابخش انقلاب شیل دانست؛ تحولی تکنولوژیک که ایالات متحده را از بزرگ‌ترین واردکنندهٔ نفت جهان به بزرگ‌ترین تولیدکنندهٔ نفت و گاز و صادرکنندهٔ خالص هردو تبدیل کرد؛ با این حال، می‌توان با شاخص‌های جدیدی در این دوره آشنا شد:

افزایش استفاده از روش شکست هیدرولیکی یا فراکینگ که در آن سیال (متشکل از ذرات سرامیک، شیشه و پلیمر) با نرخ تزریقی نسبتاً بالا درون چاه پمپ می‌شود. این روش باعث می‌شود سنگ‌های اطراف مخزن شیل نفتی یا گازی شکسته یا ترک بردارد و به موازات پمپ شدن سیال، فشار در چاه بالا رود. در این تکنیک با ایجاد شکاف در تشکیلات شیل، هیدروکربن‌ها در آن آزاد می‌شود تا مایعات معدنی بتواند از مخازن شیل به درون چاه و به طرف سطح زمین و تأسیسات جمع‌آوری جریان یابد. اگر این روش به درستی انجام نشود باعث کاهش بهره‌وری تولید و آسیب‌های زیست‌محیطی می‌شود که از موارد مورد جنجال طرفداران محیط زیست است (آجیلی و مصیبی، ۱۳۹۵).

وی از جایگزینی انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر انتقاد کرده و استفاده از این نوع انرژی را «غیرقابل‌اطمینان و افتضاح» دانسته است (Koronowski, 2015).

سوق‌یابی سرمایه‌گذاری در حوزهٔ انرژی به منابع فسیلی انرژی و با سرمایه‌گذاری بر تکنولوژی‌های جدید اکتشاف، بهره‌برداری و تجاری‌سازی منابع فسیلی، به‌ویژه منابع نفت و گاز شیل (Nakhle, 2021).

از دیگر شاخص‌های تأمین امنیت انرژی، پایداری اجتماعی و زیست‌محیطی است. در این حوزه ایالات متحده با قبول و ترویج زیرساخت‌های منتشرکنندهٔ کربن، دچار تأثیرات آلودگی هوا در داخل و خارج کشور، ناشی از مصرف انرژی‌های فسیلی شد و همبستگی جهانی در خصوص کاهش تأثیرات ناشی از تغییرات آب‌وهوایی، مانند بالا آمدن سطح آب دریاها، افزایش طوفان‌ها و رویدادهای شدید آب‌وهوایی را از بین برد. (IRENA, 2019, p. 64)

جلوه‌های سیاست‌ها و اقدامات در حوزهٔ تکنولوژی شیل را می‌توان در ابعاد مختلف «تجارت انرژی» مشاهده کرد. صادرات آن به کشورهای اتحادیهٔ اروپا، هند و چین بازارهای خود را گسترش داد. میانگین تولید نفت خام ایالات متحده در سال ۲۰۲۰ به ۱۱/۳ میلیون بشکه در روز رسید (EIA, 2021). بر این اساس با هدف کنترل بهای بازار، انرژی زمینه را برای ادامهٔ فعالیت صنایع تولیدکنندهٔ نفت و گاز شیل فراهم کرد. همچنین، با حضور در بازارهای انرژی، مقدمات برای کنترل رقبای سنتی، مانند روسیه، چین، هند و اتحادیهٔ اروپا فراهم شد (EAI, 2020). با دستیابی و تولید بیشتر از منابع غیرمتعارف نیز تلاش کرد تا در مواقع مورد نیاز به اختلالات بازار به این روش پاسخ دهد.

به‌عنوان نوعی جمع‌بندی از دیپلماسی انرژی دولت ترامپ می‌توان به چند نکته توجه کرد: اول اینکه، انتقادات زیادی از او به دلیل اظهارات نفی‌کنندهٔ تغییرات اقلیمی که با نظر جامعهٔ علمی ناسازگار بود، مطرح شد. افزون بر آن، وی از طریق سرمایه‌گذاری و تجاری‌سازی منابع نفت و گاز شیل، توانست آمریکا را پس از اینکه سال‌ها به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان انرژی مطرح بود، به مرتبهٔ «یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان» برساند (Guliyev, 2020). نکتهٔ بعد به تداوم اقدامات دولت‌های قبلی در زمینهٔ «عناصر کلیدی در تأمین امنیت انرژی» مربوط است؛ آنچه مربوط است به مواردی چون: وضع قوانین و مقررات و تکیه بر تولید وسایل با بهره‌وری بالا در حوزهٔ مصرف انرژی، ارائهٔ مشوق‌ها برای ساخت و تجهیز ساختمان‌های تجاری، اداری و مسکونی با بهره‌وری بالای انرژی و انجام آموزش‌های همگانی برای کاهش مصرف انرژی. با این وصف، پافشاری و اتکای ترامپ بر توان علمی داخلی و به‌کارگیری تکنولوژی‌های جدیدی مانند استفاده از لرزه‌نگاری سه‌بعدی در اکتشافات، سرمایه‌گذاری در تحقیق، توسعه و به‌کارگیری روش‌های جدیدی مانند فراکینگ در تولید و تجاری‌سازی منابع شیل، کمک شایانی به ایالات متحده در تأمین امنیت انرژی کرد (IRENA, 2019, p. 64). در این ارتباط، به پیامدهایی چون تضعیف همبستگی جهانی در خصوص کاهش تأثیرات ناشی از تغییرات

آب‌وهوایی مانند بالا آمدن سطح آب دریاها، افزایش طوفان‌ها و رویدادهای شدید آب‌وهوایی نیز توجه شده است. در ارزیابی رویکرد دونالد ترامپ نسبت به این موضوع می‌توان وی را یکی از شاخص‌ترین رؤسای جمهور محیط زیست‌گریز دانست که با لغو قوانین داخلی و خروج از پیمان‌های بین‌المللی، آسیب‌هایی جدی به این حوزه وارد کرد. از سوی دیگر، ترامپ در برابر چالشی خاص، یعنی «تعادل‌سازی» قرار داشت؛ تعادل میان به لطف انقلاب شیل، ایالات متحده از بزرگ‌ترین واردکنندهٔ نفت جهان به بزرگ‌ترین تولیدکنندهٔ نفت و گاز و صادرکنندهٔ خالص هردو تبدیل شد. این موقعیت منحصربه‌فرد به این معنی است که کشور دو ذی‌نفع کلیدی دارد که باید در نظر گرفته شود. به عبارتی، تعادل میان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان (Nakhle, 2021). وی با اتکاء بر توانمندی در حوزهٔ تولید نفت و گاز شیل و دستیابی به تولید تجاری این منابع، از نفوذ و تأثیرگذاری در خور توجهی، بر سازمان‌های بین‌المللی انرژی برخوردار شد.

دیپلماسی انرژی در دورهٔ بایدن

چهل و ششمین رئیس‌جمهور ایالات متحده، به‌عنوان سیاست‌مداری دموکرات و پرسابقه، در جریان مبارزهٔ انتخاباتی ۲۰۲۰، مواضع قابل‌توجهی در حوزهٔ دیپلماسی انرژی مطرح کرد که در اینجا می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

بایدن در جریان خروج آمریکا از پیمان پاریس پیش از تصدی ریاست‌جمهوری نیز اظهارنظر می‌کرد. در ۲ مه ۲۰۱۷، طی سخنرانی گفت که مردم «[در زمینهٔ علم] از دولت [ترامپ] جلوتر هستند» (Mukherjee, 2017). او در ۳۱ مه توئیت کرد که تغییرات اقلیمی «تهدیدی برای موجودیت ما در آینده» است و ماندن در توافق پاریس بهترین راه برای محافظت از فرزندان و رهبری جهانی است (Greenwood, 2017). روز بعد، پس از اعلام خروج آمریکا از توافق توسط ترامپ، بایدن در توئیتر خود نوشت که این اقدام «امنیت ایالات متحده و توانایی ما برای داشتن انرژی پاک را به خطر می‌اندازد». او در اجلاس کنکوردیا در آتن نیز که به تاریخ ۷ ژوئن ۲۰۱۷ برگزار شد، با اشاره به خروج از توافق پاریس گفت: «اکثریت قریب به اتفاق مردم آمریکا با تصمیمی که رئیس‌جمهور اتخاذ کرده موافق نیستند.» (Chalfant, 2017).

همچنین، او با حفاری جهت اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفت در پناگاه ملی حیات وحش در شمال آمریکا مخالف کرد و از تأمین بودجهٔ حکومت برای یافتن منابع نوین انرژی، یا همان منابع تجدیدپذیر و پاک، حمایت کرد. بایدن بر این اعتقاد است که

باید در خصوص گرمایش جهانی اقدام عاجلی صورت گیرد. او در مقام سناتور نیز از بانیان صدور قطع‌نامه در سنا، که ایالات متحده را به مشارکت در مذاکرات اقلیمی سازمان ملل فرا می‌خواند و نیز لایحهٔ کاهش آلودگی و گرمایش جهانی که از سختگیرانه‌ترین طرح‌های اقلیمی مصوب در مجلس سناست (Grist, 2010) بوده است.

در خصوص عملکرد جو بایدن در حوزهٔ محیط زیست نیز، بازگشت به قوانین و پیمان‌های بین‌المللی از مهم‌ترین اقدامات وی است. بایدن به دنبال آن است که به چین و دیگر کشورها برای کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای، در صورت لزوم با وضع تعرفه‌هایی بر انتشار کربن، فشار وارد آورد (Bade, 2020).

بایدن پس از تصدی مسئولیت به عنوان رئیس‌جمهور، با هدف اصلاح روند سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی در دورهٔ ترامپ و به‌ویژه احیای دوبارهٔ پرستیژ و اعتبار آمریکا در عرصهٔ بین‌المللی، خصوصاً از بعد پایبندی به تعهدات فراملی، درصدد بازنگری در اصول حاکم بر سیاست خارجی برآمد. در واقع، وی با برنامهٔ بلندپروازانه‌ای برای سیاست خارجی به قدرت رسید: «آمریکا بازگشته است.» (Madhani, 2021)؛ جهت‌گیری‌ای که دستور کاری ریشه‌گرفته در انکار میراث ترامپ، یعنی «اول آمریکا» و احیای نظم چندجانبه داشت (WPR,Editor’s note, 2023). بایدن متعهد شده است که سیاست خارجی‌ای را دنبال کند که ریشه در تعهد مجدد به ارزش‌هایی مانند دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون و همکاری بین‌المللی دارد. به‌زعم برخی دیگر، نگرش بایدن به سیاست خارجی با رویکرد نسبی‌گرایی تحلیل شده و راهبرد سیاست خارجی وی نیز متکی بر نهادگرایی با تأکید بر همکاری‌های جمعی، تکیه بر چندجانبه‌گرایی، تأکید بر احیای حداقلی از چندجانبه‌گرایی از طریق بازگشت به سازمان بهداشت جهانی، بازگشت به یونسکو و بازگشت به شماری از پیمان‌های بین‌المللی و در رأس همهٔ آنها موافقت‌نامهٔ زیست‌محیطی پاریس و تعیین تکلیف سریع پیمان استارت نو دربارهٔ کاهش موشک‌های بالستیک با روسیه است (Biden, Remarks by President Biden on America's Place in the World, 2021). در همین زمینه، به سه اولویت در دولت بایدن اشاره شده است: مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی، برابری نژادی و اقتصاد.

بخش قوانین فعالیت‌های تجاری انرژی، شامل: تجارت، حمل‌ونقل و ذخیره‌سازی، قیمت گاز از ژانویه ۲۰۲۱، حتی از قبل از حملهٔ روسیه به اوکراین، به دلیل تلاش‌های بایدن برای توقف تولید نفت و گاز از منابع فسیلی ایالات متحده و تلاش‌های ناموفق او برای افزایش تولید توسط اعضای اوپک، افزایش یافته است. همچنین، وی با استفاده از

ذخایر استراتژیک نفت ایالات متحده (SPR) به منظور کاهش قیمت بنزین نیز تلاشی سیاسی برای پیروزی در انتخابات میان‌دوره‌ای برآورد شد (Winberg, 2022)

پارادوکس: تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از منابع فسیلی برای رفع نیازها، همگام با پیگیری استقلال انرژی ایالات متحده با اتکا بر منابع تجدیدپذیر و پاک در قالب ایجاد محیط‌های مالی، حقوقی مقرراتی و سیاست‌گذاری در حوزه‌هایی که موانعی برای سرمایه‌گذاری در حوزهٔ منابع تجدیدپذیر باشد (Cohen, 2022).

بر مبنای جهت‌گیری کلان یادشده، مبنای مورد نیاز برای پیشبرد دیپلماسی انرژی نیز فراهم شد:

تمهیدات داخلی

تعلیق مجوزهای حفاری نفت و گاز در زمین‌های فدرال؛

اختصاص بیش از ۲/۲ تریلیون دلار به پروژه‌های تحقیق، توسعه و تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، در سال ۲۰۲۱ (Tankersley, 2021)؛

مدیریت، تصمیم‌سازی و سرمایه‌گذاری در حوزهٔ سیاست‌های تحقیق و توسعهٔ مرتبط با انرژی را می‌توان به نوع تمرکز سرمایه‌گذاری این دولت بر منابع انرژی تجدیدپذیر تفسیر کرد. این دولت به دنبال سرمایه‌گذاری بر تکنولوژی‌های جدید در حوزه‌های اکتشاف، بهره‌برداری و تجاری‌سازی منابع انرژی تجدیدپذیر است. جو بایدن طرفدار بازسازی دولت زیرساخت‌های جاده‌ای و انرژی است (Higgins, 2019)؛

اهتمام بر حذف یا کاهش مقرراتی که به آثار منفی بر حوزه‌های صنعت انرژی و حفاظت‌های محیطی منجر شده است؛

توقف یارانهٔ صنعت متکی بر سوخت‌های فسیلی و در مقابل، برنامه‌ریزی در حوزهٔ انرژی، تولید، انتقال و استفاده از انرژی متمرکز بر سوخت‌های پاک و عاری از کربن. هر چند برخی مدعی بودند بعید به نظر می‌رسد که دولت با تحمل هزینه‌های سنگین به حذف صنایع وابسته به انرژی فسیلی راضی شود. اما بایدن به پیروی از باراک اوباما، در برخورد با صنایع سوخت فسیلی طی یک سخنرانی در ژانویه۲۰۲۱ اعلام کرد: «فکر نمی‌کنم دولت فدرال باید به صنایع بزرگ نفتی به میزان ۴۰ میلیارد دلار یارانهٔ سوخت فسیلی کمک کند. من به کنگره می‌روم و از آنها می‌خواهم این یارانه‌ها را حذف کنند.» (Nakhle, 2021)

سیاست‌های مالی مرتبط با محصولات و خدمات انرژی، شامل مالیات‌ها، معافیت‌ها

و یارانه‌ها، به‌ویژه وضع قوانین مؤثر بر مصرف انرژی، مانند استانداردهای بهره‌وری و استانداردهای انتشار کربن است (McCormick Jr, Kelly , Bernstein, McNally & Spilman Jr, 2021).

پیشنهاد تأمین مالی حدود ۲ تریلیون دلار برای توسعهٔ بخش انرژی پاک، ایده‌ای که بر مبنای برآورد هزینه برای کربن‌زدایی از اقتصاد آمریکا طراحی شد. ناگفته نماند پیش‌بینی می‌شد سرمایه‌گذاری جهانی در انرژی‌های تجدیدپذیر تا سال ۲۰۳۰ به ۱۶ تریلیون دلار برسد. بایدن گفته است که مشوق‌های سرمایه‌گذاری و مالیاتی برای فناوری جذب و جداسازی کربن (CCUS) را «دو برابر» خواهد کرد. طرح بایدن ضرب‌الاجل‌هایی را برای حذف انتشار گازهای گلخانه‌ای از نیروگاه‌ها تا سال ۲۰۳۵ و رسیدن به انتشار خالص صفر در همهٔ بخش‌ها، تا سال ۲۰۵۰ تعیین می‌کرد (Cohen, 2022).

طرح دستورالعمل‌هایی برای دارایی‌ها و سازمان‌های بخش انرژی دولتی در چارچوب فرمان اجرایی «حفاظت از سلامت عمومی و محیط زیست و احیای علم برای مقابله با بحران آب‌وهوا» در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱. در این دستورالعمل به آژانس‌های فدرال دستور می‌دهد تا تمام اقدامات انجام‌شدهٔ دولت ترامپ را که می‌تواند اهداف زیست‌محیطی مشخص‌شده را خنثی کند، بررسی کنند. به آژانس‌ها دستور می‌دهد تا چهار اقدام سازمان در انتظار لغو یا تعلیق مربوط به کاهش انتشار گاز متان در بخش نفت و گاز، استانداردهای خودروهای صرفه‌جو در مصرف سوخت، تست دستگاه‌های بهره‌وری انرژی و یافته‌ها را در نظر بگیرند. بایدن توقف موقت فعالیت‌های اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در پناهگاه ملی حیات وحش قطب شمال را مورد تأکید قرار داد و به آژانس‌ها دستور داد تا برخی از مرزهای آثار ملی را در نظر بگیرند. یک کارگروه بین‌سازمانی در مورد هزینهٔ اجتماعی گازهای گلخانه‌ای ایجاد و آنها را موظف کرد که هزینهٔ این آسیب‌ها را ظرف ۳۰ روز منتشر، تا آژانس‌ها در قوانین از آن استفاده کنند. مجوز خط لولهٔ کی‌استون (Keystone XL Pipeline) و اکثر دستورات اجرایی دولت ترامپ مربوط به بخش انرژی لغو می‌شود (McCormick Jr, Kelly , Bernstein, McNally, & Spilman Jr, 2021).

ابراز تردید از سوی بایدن در مورد موضوع توسعه و استفاده از تکنولوژی شکست هیدرولیکی (فراکینگ)، به این معنا که آن را در حوزهٔ سرزمینی فدرال، به‌طور کامل یا محدود متوقف کنند؛

کوشش در جهت دشوارتر کردن فرایند صدور مجوز معطوف به پروژه‌های جدید خط لوله و سخت‌تر کردن فرایندهای ارزیابی اثرات اقتصادی و زیست‌محیطی (همان‌طور

که در دولت اوباما چنین شد) (Cohen, 2022)؛

پیگیری قانونی برای ایجاد سیستم هزینهٔ کربن و تخصیص ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری عمومی در انرژی پاک طی ۱۰ سال آینده؛

ایجاد یک آژانس تحقیقاتی جدید با تمرکز بر فناوری‌های آب‌وهوایی در جهت سوق یافتن اقلام تجاری به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر (McCormick Jr, Kelly , Bernstein, McNally, & Spilman Jr, 2021)؛

کنترل تراکنش‌های مالی به‌عنوان نیروی محرکهٔ فناوری انرژی، تجارت و پویایی بازار که از مسائل حقوقی و تجاری پیچیده است؛

بهره‌گیری از بهره‌وری، نوآوری و آموزش در حوزهٔ استفاده از انرژی در عرصهٔ داخلی که با اتکا به تکنولوژی‌های جدید برای تولید و تجاری‌سازی منابع تجدیدپذیر در دوران بایدن صورت گرفته است. ناگفته نماند که ویژگی یادشده در قالب عناصر «امنیت انرژی» معنا می‌یابد (Schell, 2022).

تمهیدات بین‌المللی در جهت ایفای نقش در عرصهٔ نظام جهانی انرژی در قالب «قاعده‌ساز» یا رهبر نظم مزبور (با اتکا بر منابع انرژی تجدیدپذیر)

برخی تحلیلگران در جهت اثبات پافشاری راهبردی آمریکا بر هدف یادشده، به موارد زیر توجه داشتند:

تأکید بر همکاری با کنشگران محوری سیستم جهانی انرژی، به‌ویژه اعضای اوپک جهت افزایش تولید و برای برقراری حقوق و منافع مشترک. در این مورد، می‌توان به مواضع جنیفر گرانهولم، وزیر انرژی آمریکا، اشاره داشت؛ با این مضمون که دولت بایدن بر اهمیت همکاری بین‌المللی برای اطمینان از منابع مقرون‌به‌صرفه و قابل‌اعتماد انرژی برای مصرف‌کنندگان تأکید دارد(Nakhle, 2021).

نفوذ و تأثیرگذاری بر سازمان‌های بین‌المللی انرژی با بهره‌گیری از رویکرد تنش‌زدایی، به‌ویژه از مجرای دیپلماسی و نیز کاربست قدرت هوشمند (Shaffer, 2021).

تداوم تمرکز شرایط تجارت انرژی بر کنترل بهای بازار انرژی تا کنترل رقبا (روسیه، چین، هند، اتحادیهٔ اروپا) محقق شود. در همین راستا برای پاسخ به اختلالات بازار در مقاطعی، ضمن فشار بر اعضای اوپک، از ذخایر استراتژیک نیز استفاده شد. در سیاست انرژی دولت بایدن تولیدکنندگان انرژی فسیلی، به‌ویژه گاز طبیعی مایع (LNG)، همچنان از جایگاه ویژه برخوردارند تا تلاش کنند روابط تجاری با چین را که تشنه انرژی است،

احیا کنند؛ اگرچه صادرات LNG به‌طور کامل بهبود نیافته است و چین همچنان تعرفهٔ ۲۵ درصدی را برای واردات این فرآورده اعمال می‌کرد. البته لازم به ذکر است که با برچیده شدن رژیم تعرفه‌ای که در دوران ترامپ برای واردات فولاد و آلومینیوم نیز وضع شده بود، شرایط به نفع بخش از انرژی که برای زیرساخت‌هایی مانند خط لوله و ساخت‌وساز به این نهاده‌ها متکی هستند، فراهم شد (Cohen, 2022). لازم به ذکر است علی‌رغم همهٔ حمایت‌هایی که بایدن از توسعه و اتکا به انرژی‌های تجدیدپذیر داشته، ادارهٔ اطلاعات انرژی ایالات متحده در «چشم‌انداز کوتاه‌مدت انرژی» اعلام کرد که تولید نفت‌خام با ۵/۱ درصد افزایش، به ۱۲/۵۳ میلیون بشکه در روز طی سال ۲۰۲۳ و ۱/۳ درصد، به ۱۲/۶۹ میلیون بشکه در روز طی سال ۲۰۲۴ خواهد رسید (Kelly & Somasekhar, 2023)، که این نشانگر عدم‌تغییر در فرایندهای اجرایی در حوزهٔ استفاده و به‌کارگیری انرژی‌های فسیلی است.

پیشبرد حوزهٔ «امنیت انرژی» در عرصهٔ بین‌المللی از طریق اولاً: تأمین شرایط «قابل‌خرید و اعتماد بودن آن در حداقل بی‌ثباتی قیمت‌های انرژی» است. این دولت تلاش داشته است که از طریق ارتباط‌گیری با تولیدکنندگان بزرگ، کاهش تحریم‌ها و تشویق دیگر بازیگران این عرصه به بهره‌مندی و حرکت به سوی منابع تجدیدپذیر، ثبات بازارهای جهانی را فراهم کند (Schell, 2022). ثانیاً: برای تحقق «پایداری در حوزه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی» زمینه‌سازی کند، که دراین راستا به حرکت‌هایی چون قبول و ترویج زیرساخت‌های کربن‌زدای انرژی، توجه دادن (مجامع داخلی و بین‌المللی) به تأثیرات آلودگی هوای فضاهای داخلی و خارجی ناشی از مصرف انرژی، اهمیت دادن به موضوعات و تأثیرات ناشی از تغییرات آب‌وهوایی مانند بالاآمدن سطح آب دریاها، افزایش طوفان‌ها و رویدادهای شدید آب‌وهوایی توجه شده است (Shaffer, 2021).

تعهدپذیری نسبت به محیط‌زیست بین‌المللی: شاید از مهم‌ترین شاخص‌های دیپلماسی انرژی دوران جو بایدن را باید توان رویکرد وی به مسئلهٔ محیط زیست دانست، که وی و دولتش را با ماهیت محیط‌زیست‌گرا در عرصهٔ جهانی معرفی می‌کند[1] (Biden, Biden's first act: Orders on pandemic, climate, immigration, 2021). در این ارتباط، موافقت یک‌جانبهٔ پیوستن آمریکا به توافق‌نامهٔ آب‌وهوای پاریس، به‌عنوان پیمان

۱. او در مقام سناتور نیز از بانیان صدور قطع‌نامه در سنا، که ایالات متحده را به مشارکت در مذاکرات اقلیمی سازمان ملل فرا می‌خواند و نیز لایحهٔ کاهش آلودگی و گرمایش جهانی که از سختگیرانه‌ترین طرح‌های اقلیمی مصوب در مجلس سنا، بوده است (Grist, 2010).

جهانی کاهش کربن قابل‌توجه است. ناگفته نماند که پیش از این، طبق محتوای فرمان اجرایی مقابله با بحران آب‌وهوا در داخل و خارج از کشور، مربوط به سال ۲۰۱۵، ایالات متحده متعهد شده بود تا سال ۲۰۲۵، گازهای گلخانه‌ای خود را در سطح کل اقتصاد ۲۶ تا ۲۸ درصد از سطح سال ۲۰۰۵ کاهش دهد (McCormick Jr, Kelly , Bernstein, McNally, & Spilman Jr, 2021).

در این مورد، باید از مخالفت بایدن با حفاری جهت اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفت در پناگاه ملی حیات وحش در شمال آمریکا سخن گفت که در کنار آن، از تأمین بودجهٔ حکومت برای یافتن منابع نوین انرژی یا همان منابع تجدیدپذیر و پاک حمایت کرد. وی بر این اعتقاد است که باید در خصوص گرمایش جهانی اقدام عاجلی صورت گیرد. (Grist, 2020) در این راستا، بازگشت به قوانین و پیمان‌های بین‌المللی نیز از مهم‌ترین اقدامات وی محسوب می‌شود. ناگفته نماند که بایدن در اوایل قدرت‌یابی به چین و دیگر کشورها برای کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای، در صورت لزوم با وضع تعرفه‌های کربن، فشار وارد آورد (Bade, 2020).

نتیجه‌گیری

مطالعهٔ دیپلماسی انرژی ایالات متحدهٔ نشان می‌دهد سیاست خارجی این کشور به شدت متأثر از دو حزب قدرتمند جمهوری‌خواه و دموکرات است. از این رو، به قدرت رسیدن هریک از دو حزب می‌تواند تغییراتی را در سیاست خارجی این کشور به وجود آورد. اما نکتهٔ بسیار مهم اینکه این تغییرات از منظر توجه به اهداف و منافع آمریکا، اساسی و بنیادی نیست و تغییراتی که با تغییر دولت در سیاست خارجی آمریکا ایجاد می‌شود، عناصر و ویژگی‌هایی را به همراه دارد که در همهٔ دولت‌ها تداوم می‌یابد. بنابراین، در عین تغییرات و تفاوت‌هایی که با تغییر دولت‌ها در سیاست‌های این کشور ایجاد می‌شود، اشتراکات و مشابهت‌هایی اساسی نیز بین سیاست‌های دولت‌های مختلف وجود دارد (ابوالفتح و قلی‌پور، ۱۳۸۲، صص. ۳۲۶-۳۰۱). در پایان، با مقایسهٔ دیپلماسی انرژی ایالات متحده در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و جو بایدن می‌توان این نتایج را مورد تأکید قرار داد. در قسمت اول، مؤلفه‌هایی که نشان‌دهندهٔ تفاوت‌های این دو دولت است عبارت‌اند از: تفاوت در زمینهٔ رهیافت نسبت به نظام بین‌المللی. ترامپ از رهیافت ایدئالیسم عملگرا پیروی می‌کرد؛ در صورتی که بایدن رهیافت رئالیسم عملگرا را سرلوحهٔ خود قرار داده است. در زمینهٔ جهت‌گیری‌ها و رویکرد نسبت به نظام بین‌الملل، ترامپ رویکرد

یکجانبه‌گرایانه و امنیتی را مد نظر داشت و به دنبال رهبری بلامنازع جهان بود؛ در صورتی که بایدن با بهره‌گیری از رویکردی چندجانبه‌گرایانه و نهادگرایانه در پی تحقق سیاست‌های خویش از طریق همکاری با سایر کشورها و از مجاری سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است. بایدن می‌کوشد تا مشروعیتی جهانی برای سیاست‌های آمریکا فراهم سازد. اصول سیاست خارجی ترامپ به سمت سیاست قدرت و سازش‌ناپذیری گرایش داشت. از این رو، در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی اقداماتی اجباری و استفاده از سیاست قدرت را در دستور کار خود قرار داد؛ اما دولت بایدن بر خلاف وی، در پی تنش‌زدایی و استفاده از راه‌حل‌های دیپلماتیک است. در حوزهٔ سیاست‌های انرژی و رویکرد به سیستم جهانی انرژی، سیاست‌های دونالد ترامپ بر مبنای حذف و تحت فشار قرار دادن بازیگران سنتی، مانند عربستان و اوپک، جهت تسلط بر سیستم جهانی انرژی طراحی شده بود؛ در صورتی که سیاست‌های انرژی جو بایدن بر مبنای تأکید بر همکاری با اعضای اوپک جهت افزایش تولید برای برقراری حقوق و منافع مشترک، البته با هژمونی آمریکا برای تسلط بر سیستم جهانی انرژی طراحی شده است. جهت تحقق سیاست‌های انرژی هر کدام از رؤسای جمهور از ابزارهایی استفاده کرده‌اند. ترامپ از ابزار اجبار، زور و تحریم سود برده؛ در صورتی که بایدن به دنبال بهره‌گیری از قدرت هوشمند که ترکیبی از قدرت نرم و سخت است، بوده است. نوع سرمایه‌گذاری در حوزهٔ انرژی از دیگر شاخص‌های سیاست‌های انرژی است که در دولت دونالد ترامپ با تمرکز روی منابع فسیلی، به‌ویژه منابع غیرمتعارف شیل، تأکید شده است و در دولت جو بایدن شاهد تمرکز روی منابع تجدیدپذیر هستیم. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های دیپلماسی انرژی در این دو دولت شاخص محیط زیست است. رویکرد ترامپ به مسئلهٔ محیط زیست را می‌توان رویکردی محیط زیست‌گریز دانست که در صورت ادامه یافتن، به اعتقاد بسیاری از محققان، منجر به عواقب ناگواری برای کرهٔ زمین می‌شد. رویکرد دولت بایدن محیط زیست‌گرا تفسیر می‌شود. مهم‌ترین شاخص عملکرد دولت ترامپ در حوزهٔ محیط زیست لغو قوانین داخلی و خروج از پیمان‌های بین‌المللی بیان شد. در مقابل، مهم‌ترین عملکرد بایدن بازگشت و تعهد به قوانین و پیمان‌های بین‌المللی است. مؤلفهٔ دیگری که بیانگر تفاوت فاحش بین دو دیپلماسی انرژی است، بحث از امنیت انرژی است که تمرکز دولت ترامپ بر استفاده از منابع فسیلی، به‌ویژهٔ منابع شیل و تمرکز دولت بایدن بر انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر است. شاخص دیگر، تجارت انرژی است. در دیپلماسی انرژی دولت ترامپ تجارت انرژی، یعنی صادرات انرژی‌های فسیلی با تأکید بر منابع فسیلی غیرمتعارف (شیل) و تلاش برای

کاهش و توقف واردات انرژی بود؛ در صورتی که در دولت بایدن با اتخاذ تدابیر بازدارنده از گسترش صنایع تولید انرژی از منابع فسیلی به دنبال تجاری‌سازی منابع انرژی‌های تجدیدپذیر برای صادرات است. از آنجا که ایالات متحده خود را در مقابل سیستم جهانی انرژی مسئول می‌پندارد، برای پاسخ به اختلالات به‌وجودآمده در مقاطع مختلف، دولت ترامپ بر تولید بیشتر از منابع غیرمتعارف تأکید داشت؛ ولی در دولت بایدن بر استفاده از ذخایر استراتژیک و تلاش برای افزایش تولید توسط رقبا و اعضای اوپک تأکید شده است.

اگرچه دیپلماسی انرژی این دو دولت تفاوت‌های زیادی با یکدیگر داشتند که در بالا به آنها اشاره شد، اما در برخی مسائل نیز نقاط تشابه و هم‌نظری وجود دارد که عبارت‌اند از: در حوزهٔ سیاست‌های انرژی، به‌ویژه در مؤلفهٔ نظم سیستم جهانی انرژی، هردو دولت به دنبال ایجاد نظم نوین انرژی، قاعده‌سازی در سیستم جهانی انرژی، تسلط و ایفای نقش رهبری در سیستم جهانی انرژی که در دیپلماسی دولت ترامپ، با اتکا بر انرژی‌های فسیلی محقق شد و دولت بایدن با اتکاء بر منابع انرژی تجدیدپذیر به دنبال تحقق این هدف است. از دیگر اهداف سیاست انرژی هردو دولت نفوذ و تأثیرگذاری بر سازمان‌های بین‌المللی انرژی بیان شد. همچنین، در مؤلفهٔ نحوهٔ سرمایه‌گذاری در حوزهٔ انرژی که از دیگر مؤلفه‌های سیاست‌های انرژی است، هردو دولت تأکید بر سرمایه‌گذاری روی تکنولوژی‌های جدید داشتند، با این تفاوت که در دیپلماسی دولت ترامپ اکتشاف، بهره‌برداری و تجاری‌سازی منابع فسیلی مورد تأکید بود و در دولت بایدن اکتشاف، بهره‌برداری و تجاری‌سازی منابع انرژی تجدیدپذیر دنبال می‌شود. شاخص دیگر دیپلماسی انرژی دولت‌های ترامپ و بایدن که در برخی از مؤلفه‌های آن اشتراک دارند، شاخص تجارت انرژی است، که هردو دولت در بحث قیمت‌گذاری انرژی به دنبال کنترل بهای انرژی در بازار بودند و تمامی تعاملات خود را نیز بر مبنای کنترل رقبای مهم که روسیه، چین، هند، اتحادیهٔ اروپا هستند، هدف‌گذاری کرده‌اند. شاخص دیگری از دیپلماسی انرژی که در برخی از مؤلفه‌های آن اشتراکاتی وجود دارد شاخص امنیت انرژی است که هردو با اتکا به تکنولوژی‌های جدید به دنبال تأمین امنیت حداکثری و دسترسی دائمی و مستمر به منابع انرژی هستند؛ با این تفاوت که دولت ترامپ با اتکا بر تولید و تجاری‌سازی منابع شیل و بایدن با تکیه بر تولید و تجاری‌سازی منابع انرژی پاک به دنبال تحقق این مهم است.

منابع

ابوالفتح، ا. و قلی‌پور، آ. (۱۳۸۲). *برآورد استراتژیک ایالات متحدهٔ آمریکا* (نسخهٔ ۲). تهران:

مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

ایسنا. (۱۳۹۷، دی‌ماه ۱۱). *آمریکا و اسرائیل رسماً از یونسکو خارج شدند*. بازیابی از ایسنا: https://www.isna.ir/news/97101106056

توکلی، م. (۱۳۹۸). شاخص تجارت خارجی در رویکرد اسلامی. *معرفت اقتصاد اسلامی، ۲* (۲۰)، صص. ۲۸-۵.

جهانگیری، س. و مهدی‌پور، م. (۱۳۹۹). بررسی عوامل تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی آمریکا در دوران دونالد ترامپ در حوزهٔ بین‌الملل. *راهبرد سیاسی، ۱۴* (۴)، صص. ۱۰۳-۷۷.

چیلکوت، ر. (۱۳۷۸). *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای* (جلد چاپ دوم) (ترجمهٔ: و. بزرگی، و ع. طیب) تهران: نشر رسا.

خلیلی، ر. (۱۳۸۷، بهار). مطالعات پایه: نظام امنیتی؛ چارچوبی بدیل برای مطالعهٔ سیاست مقایسه‌ای. *مطالعات راهبردی، ۳۹*، صص. ۴۲-۵.

سوواکول، ب. (۱۳۹۱). *کتاب مرجع امنیت انرژی* (ترجمهٔ: ع. طیب) تهران: ابرار معاصر.

شفر، ب. (۱۳۹۱). *سیاست انرژی در روابط بین‌الملل* (ترجمهٔ: ن. فرشادگهر و ف. بادپر) تهران: دانشگاه خوارزمی.

کی‌پور، ج. (۱۳۸۹). دیپلماسی انرژی و لزوم استفاده از آن برای تأمین منافع ملی ایران در جهان. در م. واعظی، *مجموعه‌مقالات نفت و سیاست خارجی* (ص. ۲۳۳-۲۵۲). تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.

کیوان‌حسینی، س. و نورانی، س. (۱۳۹۸). ترامپ، جهت‌گیری «آمریکا اول» و اخلال در تجارت بین‌الملل (۲۰۱۹-۲۰۱۷). *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، اول* (دوم)، صص. ۳۶۵-۳۳۲.

مبینی‌دهکردی، ع. و خادم، ف. (۱۳۸۹). ایران و فرصت‌های جهانی در صنعت نفت. در م. واعظی، *مجموعه‌مقالات همایش ملی نفت و سیاست خارجی* (صص. ۴۳۳-۴۱۳). تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.

محسنی، ر. (۱۳۸۲). سیستم برنامه‌ریزی جهانی انرژی EIA. *تحقیقات اقتصادی، ۳۸* (۶۳)، صص. ۲۰۵-۱۷۳.

هرسیج، ح. (۱۳۸۱، بهار و تابستان). روش‌مقایسه‌ای؛ چیستی، چرایی و چگونگی به‌کارگیری آن در علوم سیاسی. *مجلهٔ دانشکدهٔ علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، ۱* (۱۳)، صص. ۱۷-۱.

1. Buchan, D. (2012). *Buchan, D. (2012), The Rough Guide to the Energy*

Crisis. London: Rough Guides Limited. London: Rough Guides.
2. Downie, C. (2019). Australian energy diplomacy. *Australian Journal of International Affairs, 73*(2), 119-125.
3. Griffiths, S. (2019). Energy diplomacy in a time of energy transition. *Energy Strategy Reviews, 26*.
4. Guliyev, F. (2020). Trump's "America first" energy policy, contingency and the reconfiguration of the global energy order. *Energy Policy, 140*, 1-12.
5. IRENA, I. (2019). *A New World The Geopolitics of the Energy Transformation.* Abu Dhabi: IRENA.
6. McCormick Jr, D. C., Kelly , B. J., Bernstein, R. M., McNally, E. J., & Spilman Jr, J. L. (2021, February 4). *Presdent Biden's Energy Policy: Early Executive Orders and Key Rapid Regulatory Changes*. Retrieved from Mcguirewoods: https://www.mcguirewoods.com/client-resources/Alerts/2021/2
7. Meierding, E. (2011). Energy Security and Sub-Saharan Africa. *International Development Policy*,44-59.
8. Paleri, P. (2008). *National Security: Imperatives And Challenges.* New Delhi: Tata McGraw-Hill.
9. Pascual, C., & Elkind, J. (2010). *Energy security: economics, politics, strategies, and implications.* Washington DC: Brookings institution press.
10. Perticone, J. (2019). *Lobbying Groups that Spent Most Money in Washington*. Retrieved from Business Insider: https://www.businessinsider.com/lobbying-groups-spent-most-money-washington-dc-2018-2019-3#southern-company
11. Sanger, D. E., & Haberman, M. (2016). *Donald Trump Sets Conditions for Defending NATO Allies Against Attack.* New York: The New York Times.
12. Shaffer, B. (2021, Novembed 15). *It's Time to Be Honest about Fossil Fuels' Role in Energy Transition*. Retrieved from foreignpolicy.com: https://foreignpolicy.com/2021/11/15/fuel-inflation-oil-gas-energy-transition-climate-change-biden/
13. Soobramanien, T. (2016). Economic diplomacy for small and low income countries. In N. Bayne, & S. Woolcock, *The New Economic Diplomacy* (4th Edition ed., p. 18). London: Routledge.
14. Stoddard, E. (2017). Tough times, shifting roles: examining the EU's commercial diplomacy in foreign energy markets. *Journal of European Public Policy, 24*(7), 1048-1068.
15. (۱۳۹۴, مهر ۲۱). *ترامپ: آمریکا باید از ملت سازی دست بردارد*. بازیابی از VOA ir.voanews.com: https://ir.voanews.com/a/trump-policy/3004238.html
16. Yergin, D. (2006). Ensuring Energy Security. *Foreign Affairs, 85*(2), 69-75.
17. Grist. (2010, May 26). *A look at the environmental record of Joe Biden, Barack Obama's running mate*. Retrieved from Grist.org:

https://grist.org/article/biden_factsheet/
18. Biden, J. (2011, June 23). *Statement by Vice President Biden On the Bipartisan Debt Talks*. Retrieved from Whitehouse.gov: https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2011/06/23/statement-vice-president-biden-bipartisan-debt-talks
19. Fox News. (2015, May 21). Donald Trump: 'I want to make the country great again. *Fox News*.
20. Koronowski, R. (2015, June 16). *It Snowed Once And Other Things*. Retrieved from https://archive.thinkprogress.org/it-snowed-once-and-other-things-donald-trump-thinks-prove-global-warming-is-a-hoax-3361af5f16d9/
21. Mooney, C. (2015, July 12). Dear Donald Trump: Winter Does Not Disprove Global Warming. *The Huffington Post*.
22. Ehrenfreund, M. (2015, July 22). Here's what Donald Trump really believes. *The Washington Post*.
23. Giuli, M. (2015, October 27). *Getting energy diplomacy right: a challenge starting at home*. Retrieved from Vocal Europe.eu: https://www.vocaleurope.eu/ getting-energy-diplomacy-right-a-challenge -starting-at-home/
24. Campbell, C. (2016, January 18). "TRUMP: I was joking when I said the Chinese 'created' the concept of climate change. *Business Insider*.
25. Cassidy, J. (2016, February 29). Donald Trump Is Transforming the G.O.P. Into a Populist, Nativist Party. *The New Yorker*.
26. Rucker, P. (2016, March 21). Trump questions need for NATO, outlines noninterventionist foreign policy. *The Washington Post*.
27. CNN. (2016, June 26). Full Rush Transcript: Donald Trump, CNN Milwaukee Republican Presidential Town Hall. *CNN*.
28. CNBC. (2017, January 9). *Biden outlines steps to pursue post-Obama 'cancer moonshot'*. Retrieved from CNBC.com: https://www.cnbc.com/ 2017/01/09/biden-outlines-steps-to-pursue-post-obama-cancer-moon shot. html
29. Euronews ,۲۰۱۷) .January 26 .(fa.euronews.com: http://fa.euronews.com/ 2016/08/09/50-high-profile-republicans-warn-trump-would-be-most-reckless-us-president
30. Mukherjee, S. (2017, May 03). *Joe Biden on His New Cancer Initiative, Drug Prices, and Donald Trump*, https://fortune.com/2017/05/03/joe-biden-trump-cancer-drug-prices/. Retrieved from Fortune.com.
31. Greenwood, M. (2017, May 31). *Biden: Paris deal 'best way to protect' US leadership*. Retrieved from The Hill.com: https://thehill.com/ policy/energy-environment/335859-biden-paris-deal-best-way-to-protect-us-leadership
32. Chalfant, M. (2017, June 01). *Biden: Paris climate deal exit 'imperils' national security*. Retrieved from The Hill.com: https://thehill.com/ policy/energy-environment/335995-biden-says-paris-climate-deal-exit-

imperils-national-security
33. Euronews (2017, August 4 بازیابی از *خروج رسمی آمریکا از پیمان اقلیمی پاریس*) euronews.com: https://parsi.euronews.com/2017/08/05/usa-leaves-officially-paris-agreement
34. IAE. (2017, August 12). *Atlas of Energy, India*. Retrieved from Energyatlas.iea.org: ttp://www.energyatlas.iea.org/profile/WORLD/IND
35. Higgins, T. (2019, April 25). *Joe Biden is running for president — here are his policies*. Retrieved from CNBC.com: https://www.cnbc.com/2019/04/25/joe-biden-is-running-for-president--here-are-his-policies.html
36. Justsecurity. (2019, April 26). *Why the Arms Trade Treaty Matters*. Retrieved from justsecurity.org: https://www.justsecurity.org/63968/why-the-arms-trade-treaty-matters-and-why-it-matters-that-the-us-is-walking-away/
37. Verleger, P. (2019, April 29). *19 Historical Oil Disruptions, And How No.20 Will Shock Markets*. Retrieved from Oilprice.com: https://oilprice.com/Energy/Oil-Prices/19-Historical-Oil-Disruptions-And-How-No20-Will-Shock-Markets.html
38. IEA. (2019, August 11).*World Energy Balance:Overview*. Retrieved from International Energy Agency: https://webstore.iea.org/download/direct/2710?filename=world_energy_balances_2019_overview.pdf
39. Watkins, S. (2019, August 25). *Will China, Russia Defy U.S. Sanctions To Fund Iranian Oil Projects?* Retrieved from Oilprice.com: https://oilprice.com/Energy/Energy-General/Will-China-Russia-Defy-US-Sanctions-To-Fund-Iranian-Oil-Projects.html
40. Bovan, A., Vucenovic, T., & Peric, N. (2020, January 23). Negotiating Energy Diplomacy and ITS Relationship with Foreign Policy and National Security. *International Journal of Energy Economics and Policy, 2*(10), 1-6.
41. EAI. (2020, September 14). *Fossil fuels account for the largest share of U.S. energy production and consumption*. Retrieved from U.S. Energy Information Administration: https://www.eia.gov/todayinenergy/detail.php?id=45096#:~:text=Total%20fossil%20fuel%20production%20has,production%20in%20the%20past%20decade.
42. Bade, G. (2020, October 14). *How Biden would use trade agreements to fight global warming*. Retrieved fromPolitico.com:https: //www.politico.com/news/2020/10/14/biden-trade-fight-global-warming-429495
43. Smith, S. (2020, November 15). *"Be warned Joe Biden – centrism is no longer a safe haven in politics". The Independent*. Retrieved from Independent.co.uk: https://www.independent.co.uk/voices/biden-president-trump-centrism-keir-starmer-b1721977.html
44. Biden, J. (2021, January 20). *Biden's first act: Orders on pandemic, climate, immigration*. Retrieved from Apnews.com: https://apnews.com/article/joe-biden-executive-orders-b5b409da08e42414b9a12e2c67ee2df6
45. Biden, J. (2021, February 04). *Remarks by President Biden on America's*

Place in the World. Retrieved from Whitehouse.gov: https://www.whitehouse.gov/briefing-room/speeches-remarks/2021/02/04/remarks-by-president-biden-on-americas-place-in-the-world/

46. Madhani, A. (2021, February 19). *Biden declares 'America is back' in welcome words to allies*. Retrieved from AP NEWS: https://apnews.com/article/biden-foreign-policy-g7-summit-munich-cc10859afd0f542fd268c0a7ddcd9bb6
47. EIA. (2021, March 9). *U.S. crude oil production fell by 8% in 2020, the largest annual decrease on record*. Retrieved from eia.gov: https://www.eia.gov/ todayinenergy/detail.php?id=47056
48. Nakhle, C. (2021, May 04). *Biden's energy policy: Clinging to old tracks*. Retrieved from Gisreportsonline.com: https://www.gisreportsonline.com/r/biden-energy-policy/
49. Schell, C. R. (2022, July 02). *Why Joe Biden's Green Energy Policy is Dead?* Retrieved from https://www.fairobserver.com/politics/why-joe-bidens-green-energy-policy-is-dead/
50. Vinz, S. (2022, October 14). *What Is a Theoretical Framework? | Guide to Organizing*. Retrieved from scribbr.com: https://www.scribbr.com/ dissert ation/ theoretical-framework/
51. Cohen, A. (2022, November 09). *Biden's Energy Policy Outlook*. Retrieved from forbes.com: https://www.forbes.com/sites/arielcohen/2020/11/09/ bidens-energy-policy-outlook
52. Kelly, S., & Somasekhar, A. (2023, May 9). *EIA sees US oil output rising 5% in 2023, cuts price forecasts*. Retrieved from Reuters.com: https://www.reuters.com/business/energy/eia-sees-us-oil-output-rising-5-2023-cuts-price-forecasts-2023-05-09/
53. WPR,Editor's note. (2023, May 29). *U.S. Foreign Policy Under Biden*. Retrieved from World Politics Review: https://www.worldpoliticsreview.com/ biden-us-foreign-policy/
54. winberg, s. (2022, 07 11). *Biden's 'energy policy' is nothing but election-year politics*. Retrieved from thehill.com: https://thehill.com/opinion/energy-environment/3718814-bidens-energy-policy-is-nothing-but-election-year-politics/